

دیدگاه دندان پزشکی ابن هندو از مفتاح الطب

سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمد ابراهیم ذاکر،

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۴۰۴ - ۴۰۶



۱	دیدگاه دندان پزشکی ابن هندو از مفتاح الطب
۱	زیست نامه ابن هندو
۱	عیون الأنباء
۲	سروده هایی از ابن هندو
۸	کتاب های ابن هندو
۱۱	کالبدشناسی
۱۱	بیماری ها
۱۱	لقوه
۱۲	کندی دندان
۱۲	قلاع
۱۳	ضفدع
۱۴	نام داروهای تکی و ترکیبی
۱۴	دوا الخطاطیف
۱۵	غمره
۱۵	سنون
۱۵	لعوق
۱۵	وجور
۱۷	کتاب نامه
۱۷	نمایه کتاب و مقاله

دکتر محمد ابراهیم ذاکر

دیدگاه دندان‌پزشکی ابن‌هندو از مفتاح الطب

سیری در سه قرن دندان‌پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۴۰۴ - ۴۰۶

زیست‌نامه ابن‌هندو

عیون الأنباء

ابن‌ابی‌اصیبعه درباره ابن‌هندو (د: ۴۲۰ق / ۱۰۲۹م) گوید: او ابوالفرج علی فرزند حسین فرزند هندو، آموزگاری فرزانه و بزرگ و از بزرگان شناخته‌شده در حکمت و پزشکی و هنرهای ادبی (ادبیات) است.

او سخنانی برجسته و سروده‌هایی ارزشمند و نگاشته‌هایی نامدار و صفاتی نیکو و یاد شده [در کتاب‌ها] دارد.

هم‌چنین وی دبیر و منشی زبردستی بود و از راه نوشتن و تصوف روزگار گذراند. وی هنر و دانش پزشکی و دیگر دانش‌های زیر گروه حکمت را نزد شیخ ابن‌خمار ابوالخیر حسن فرزند سوار فرزند بابا که به ابن‌خمار شناخته می‌شود، فراگرفت.

او از برترین و فرزانه‌ترین شاگردانش به شمار می‌آمد.

ابومنصور ثعالبی^۱ در کتاب خود یتیمه الدهر درباره شیوایی و رسایی و آشکارگویی و نویسی گوید: او یگانه روزگار در سرایندگی و یکتا در فرزاندگی و زبردستی در شکار سخنان نادر و کمیاب و به در آوردن واژه‌های گوهرگونه در گردبندی گران بها به همراه مرتب کردن واژه‌های داپسند و رسا و نزدیک کردن هدف‌های دوردست و پند و اندرز برای کسانی که شنونده و بیننده هستند. آیا این توانایی از جادوگری است؟ و یا شما بینا نیستید؟ و یا نمی‌فهمید؟

^۱ علامه ابومنصور عبدالملک (۳۵۰ - ۴۲۹ق) فرزند محمد فرزند اسماعیل نیشابوری است. آوازه ثعالبی بودنش به جهت پوشیدن پوستین از پوست روباه و یا فروشندگی آن می‌باشد. وی ادیب و سراینده زبردست است. کتاب غرر سیر الملوك و یتیمه فی محاسن أهل العصر در چهار جلد بزرگ که زندگی‌نامه سرایندگان هم‌روزگارش می‌باشد و فقه اللغة و سحر البلاغة و سر البراعة و کتاب من غاب منه المطرب و مؤنس الوحید، از نوشته‌های اوست (ارشاد الأریب، یاقوت، ج ۲، ۳۲۰؛ معجم البلدان، ج ۴، ۴۱۱؛ حبیب السیر).

دیدگاه دندان‌پزشکی ابن‌هندو از مفتاح
الطب

سروده‌هایی از ابن‌هندو

ابومنصور ثعالبی گوید: در گزاره کردن " بدیع " ناتوان بودم پس برای شناخت آن به دامان وی دست‌آزیدم.

من پرسشتم را با این سروده‌ها چنین یاد کردم:

قلبي وجداً مشتعل علی الهموم مشتعل
و قد کستني في الهوى ملابس الصبّ الغزل
السانه فتانة بدر الدجى منها خجل
إذا زنت عيني بها فبالدموع تغتسل
(رجز)

سروده‌ای از ابوالفرج ابن‌هندو که برایم سرود:

يقولون لى مابالى عينك مذرات محاسن هذا الطبي أدمعها هطل
فقلت زنت عيني بطلعة وجهه فكان لها من صوب أدمعها غسل
(طويل)

هم‌چنین سروده‌ای دیگر از ابوالفرج و نیز دانستم که برنده این سرودن‌ها او است:

قوض خيامك من ارض تضام بها و جانب الذلّ إنّ الذلّ يجتنب
و أرحل إذا كانت الأوطان منقصة فمندل الهند في أوطانه حطب
(بسيط)

هم‌چنین سروده است:

أطال بين البلاد تجوالي قصور مالي و طول آمالي
إنّ رحى عن بلده غدوت إلى أخرى فما تستقر أحوالي
كأنني فكره المؤسس لا تبقي مدى لحظة على حال

دیدگاه دندان‌پزشکی ابن‌هندو از مفتح
الطب

(منسرح)

هم‌چنین دربارهٔ برانگیختن نیروی کار و کوشش:

خليلي ليس الرأي ما تريان
خليلي لو لا أن في السعي رفعة
فشأنكما إنِّي ذهبت لشأني
لما كان يوماً يدأب القمران
(طويل)

هم‌چنین سروده است:

و حفاك ما أخرجت كتبي عنكم
و لكن دمعي إنْ كتبت مشوش
لقاله و اش أو كلام محرش
كتابي و ما نفع الكتاب المشوش
(طويل)

هم‌چنین دربارهٔ ازدواج نکردن و فرمان به تنها زیستن گوید:

ما للمعيل و للمعالي أتما
فالشمس تجتاب السماء فريدة
يسمو إليهن الوحيد الفارد
و أبو بنات النعش فيها راكد
(كامل)

او دربارهٔ بردباری چنین سروده است:

تصبر إذا الهم أسرى إليك
فلا الهم يبقى و لا صاحبه
(متقارب)

هم‌چنین سروده است:

قالوا اشتعل عنهم يوماً بغيرهم
قد صيغ قلبي على مقدار حبههم
و خادع النفس إنَّ النفس تنخدع
فما لحب سواهم فيه متسع

دیدگاه دندان‌پزشکی ابن‌هندو از مفتح
الطب

(بسیط)

هم‌چنین سروده است:

عارض ورد الغصون وجنته
یزداد بالقطف ورد وجنته
(منسرح)

هم‌چنین سروده است:

قولا لهذا القمر البادي
زود فؤاداً راحلاً بقبله
(سريع)

هم‌چنین سروده است:

تمنيت من أهوى فلماً لقيتہ
و أطرقت اجلالاً لهو مهابة
و قد كان في قلبي دفاتر عتبه
(طويل)

هم‌چنین سروده است:

عابوه لما التحى فقلنا
هذا غزال و لاعجب
(بسيط)

هم‌چنین سروده‌ای درباره‌ عذار دارد:

أوحى لعارضة العذار فما
ابقى على ورعي و لا نسكي

فاتفقا في الجمال و اختلفا
و ينقص الورد كلما قطفا

مالك اصلاحي و افسادي
لا بد للراحل من زاد

بهت فلم املك لساناً و لا طرفاً
و حاولت أن يخفى الذي بي فلم يخفا
فلماً التقينا ما فهمت و لا حرفاً

عبتم و غبتم عن الجمال
تولد المسك في الغزال

دیدگاه دندان‌پزشکی ابن‌هندو از مفتح
الطب

٤

ذکر
دکتر محمد ابراهیم

فكأن نملأ قد دببن به
(کامل)

غمست أكارعهن في مسك

هم‌چنین سروده است:

قالوا صحا قلب المحب و ما صحا

و محا العذار سنا الحبيب و ما محا

ما ضرّه شعر العذار و انما

وافى يسلسل حسنه أن يبرحا

(کامل)

هم‌چنین سروده‌ای درباره‌ی رویش تازه روئیده [خط عذار] دارد:

الآن قد صحت لدي شهاده

أن ليس مثل جماله لمصور

خط يكتبه حوالي خده

قلم الا له بنقش مسك أذفر

(کامل)

هم‌چنین سروده است:

يا من محياه كاسمه حسن

ان نمت عني فليس لي وسن

قد كنت قبل العذار في محن

حتى تبدي فزادت المحن

يا شعرات جميعها فتن

يتيه في كنه وصفها الفطن

ما عيروا من عذاره سفها

قد كان غصناً فأورق الغصن

(منسرح)

هم‌چنین سروده‌ای درباره‌ی عذار دارد:

كفى فؤادي عذاره حرقة

فكفّ عيناً بدمعها غرقة

ما خط حرف من العذار به

الا محاً من جماله ورقة

(منسرح)

سروده‌ای درباره‌ی شراب دارد:

دیدگاه دندان‌پزشکی ابن‌هندو از مفتح
الطب

أرى الخمر ناراً و النفوس جواهرأ
فلا تفضحن النفس يوماً بشربها
(طویل)

هم‌چنین سروده است:

أوصى الفقيه العسكري
فعصيته إنَّ الشراب
(کامل مرفل)

بأنَّ أكف عن الشراب
عمارة البيت الخراب

سروده‌ای دربارهٔ بزرگانی دارد که در مجلس شراب‌خواری، شراب بر روی آستینشان ریخته شده باشد:

انصبت الخمر على كمة
لو لم ترد خدمته بالتى
(سریع)

سروده‌ای که بر روی چوب نوشته شده بود:
رأيت العود مشتقاً
فهذا طيب آناف
(هزج)

هم‌چنین سروده است:

و دوحه أنس أصبحت ثمراتها
أغاريد تجنيها ندامي و جلاس

تعني عليها الطير و هي رطيبة
فلما عست غني على عودها الناس

(طویل)

دیدگاه دندان‌پزشکی ابن‌هندو از مفتح
الطب

سروده‌ای دربارهٔ آذریون^۱ دارد:

رب روض خلت آذر ذهباً أشعل مسكاً
یونه لمّا توقد فی کوانین زبرجد
(رمل)

سروده‌ای دربارهٔ ارجمندی و کمال دارد:

فاذا رأیت الفضل فاز به الفتی فاعلم بأن هناك نقصاً خافياً
و الله أكمل قدره من أن یری لکماله ممن تراه ثانياً
(کامل)

سروده‌ای درباره گله‌گذاری دارد:

ضعت بأرض الري في أهلها ضیاع حرف الرءاء في اللثغة
صرت بها بعد بلوغ المنی یعجبني أن أبلغ البلغة
(سریع)

هم‌چنین سروده است:

لنا الملك ما فيه للملك آله سوی انه یوم السلاح متوج
أقیم لا صلاح الوری و هو فاسد و کیف استواء الظلّ و العود أعوج
(طویل)

هم‌چنین سروده است:

عجبت لقولنج هذا الأمير و أني و من أين قد جاءه

^۱ آذریون *Helianthus annuus Linn.; Sun flower; Ādharyūn* (قاموس). آذریون: در عرب آذریون را حنوه گویند و در میان شکوفه‌ها در غایت شهرت است و نصیب حاسهٔ بصر درو بیش از نصیب حاسهٔ شم است. و نام او به لغت پارسی آذرگون است و بوریحان می‌گوید: حنوه دیگر است و آذریون دیگر، و عرب حنوه را از جنس عطر دارند و آذریون را به عطر نسبتی نیست؛ بلکه، آذریون گونه‌ای است از بابونه و شکوفهٔ او به رنگ زرین دارد، یعنی لون او به لون زر مانند و در میان شکوفهٔ او چیزی است که رنگ او به زنگ مشابهت دارد و شکوفهٔ او با آفتاب چون آفتاب‌پرست بگردد به هر طرف که آفتاب از آن طرف باشد و چون شب شود ذبولی پذیرد و بیژمرد. (صیدنه، ۴۲ - ۴۳)

و في كل يوم له حقنة
(متقارب) تفرغ بالزب أمعاء

سروده‌ای دربارهٔ جرب و نمک و ظرف دارد:

یهیج مسرتی جرب یکفنی
تجنبنی اللئام لذاک حتی
(وافر) کفیت به مصافحة اللئام
إذا ما وعد فی الكرب العظام

سروده‌ای دربارهٔ بازگشتش بسرودن پس از مدتی دوری از آن:

و کنت ترکت الشعر آنف من خنا
فما زال بی حبیبک حتی تطلعت
تزل القوافی عن لسانی کأنها
فاصبح شعر الاعشیین من العشا
(طویل) لدیہ و شعر الاخطلین من الخطل
و اکبر عن مدح و أزهده عن غزل
خواطر شعر کان طالعه أفل
یفاع یزل السیل منه علی عجل

کتاب‌های ابن‌هندو

بوفر ج ابن‌هندو را کتاب‌هایی است:

- ۱- مفتاح الطب^۱، ابوالفرج ابن‌هندو کتابی به نام مفتاح الطب دارد که آن را برای برخی از دوستان و دانش‌آموختگان دامانش در ده باب نگاشته است.
- ۲- مقاله المشوقة في المدخل إلى العلم الفللفة.
- ۳- و کتاب کلم الروحانية من الحكم اليونانية.
- ۴- دیوان شعر ابن‌هندو، کتابچهٔ سروده‌هایش است.

^۱ کتاب مفتاح الطب و منهاج الطلاب، ابن‌هندو را محمدتقی دانش‌پژوه و دکتر مهدی محقق نازک‌بینانه به سال ۱۳۶۸ خ در تهران به چاپ رسانیدند.

دیدگاه دندان‌پزشکی ابن‌هندو از مفتاح
الطب

۵- رسالة هزلية وساطة بين الزنات و اللاطة، کتابچه دیگر ارزشمند درباره زن‌بارگی و پسر‌بازی از او است.^۱
 گویا دلبستگی او به دانش فلسفه بیش از پزشکی بوده است. وی در سال (۴۲۰ق/۱۰۲۹م) در جرجان درگذشت.^۲
 زادگاه و بالندگی وی در تبرستان بوده است. او بیشتر عمر خود را در دربار خاندان بویه و زیار گذرانید و دورانی را به
 منشی‌گری سیده خاتون (د: ۱۹ق / ۱۰۲۸م) همسر و جانشین راستین فخرالدوله و مادر مجدالدوله (فرمانروایی: ۳۸۷ -
 ۴۲۰ق) سپری کرد.
 هم‌چنین روزگاری را در دربار خاندان زیار، قابوس فرزند وشمگیر (فرمانروایی: ۳۶۶ - ۴۰۲ق) به منشی‌گری گذراند. افزون
 برآن:

او راست:

- مقالة في وصف المعاد الفلسفي؛
- و امثال المولده، و انموذج الحكمة؛
- و البلغة من مجمل اللغة؛
- رسائل تازی در پنج جلد؛
- و فرق بين المذكر و المونث، و مساحة؛
- و نزهة العقول.

ابن‌اسفندیار دیوان شعر او را فزون بر پانزده هزار بیت می‌داند.^۳

^۱ بخشی از رساله هزلیه او در کتاب تتمة الیتیمه ثعالبی یاد شده است. (دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ۱۲۵) هم‌چنین نک: عیون الأئباء،
 امرؤ‌قیس، ج ۲، ۳۶۴، ۳۶۹؛ برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۳۱ - ۷۳۶.

^۲ تاریخ نگارش‌ها، ۴۷۱.

^۳ دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ۱۲۵.

مفتاح الطب و منهاج الطلاب

ابن‌هندو، ابوالفرج علی فرزند حسین فرزند هندو

د ۴۲۰ ق / ۱۰۲۹ م

به کوشش مهدی محقق و محمدتقی دانش‌پژوه

تهران، ۱۳۶۸ خ

دیدگاه دندان‌پزشکی ابن‌هندو از مفتاح
الطب

۱۰

دکتر محمد ابراهیم
ذکر

کالبدشناسی

سر دربرگیرنده کاسه سر و مغز و رخساره و فك بالا و چشمان و گوش‌ها و دهان و اندام‌های دهانی مانند زبان، کام، گلو و دندان‌ها می‌باشد. و گردن دربرگیرنده مهره‌ها و نخاعی که از آن گذر می‌کند و ماهیچه‌های پوشاننده ی آن و دو لوله مری و نای می‌باشد.^۱

بیماری‌ها

لقوه

کژدهانی^۲، کژشدن رخساره می‌باشد که از گرفتگی يك سوی رخساره پدید می‌آید که آن سو را به سمت خود می‌کشد؛ و یا از سستی و شل شدن یکی از دو سوی رخساره می‌باشد مایه بیماری‌زای پدید آورنده کژدهانی و فلج یکسان می‌باشند، جز این که بیماری فلج در سرتاسر تن رخ می‌دهد، ولی بیماری کژ دهانی تنها ویژه چهره می‌باشد.^۳

^۱ مفتاح الطب، ۱۱۳.

^۲ لقوه [لُقْ وَه] کژدهانی، کژروی، *Bells palsy; Facial paralysis* (قاموس) و آن از دست رفتن جنبش ماهیچه‌های یک سوی رخساره می‌باشد عصب زوج هفتم (صورتی) آن‌ها را عصب‌دهی می‌کند. این ماهیچه‌ها توان انقباضی خود را از دست داده، شل می‌شوند و به سوی بخش سالم چهره کشیده می‌گردند، به گونه‌ای که رخساره آدمی کج می‌شود دهان بیماری هنگام دم و بازدم نیمه باز می‌ماند و به سختی می‌تواند سوت بزند. هم‌چنین چشم پیوسته باز می‌ماند. کژدهانی، فلج نیمه صورت، خشک شدن رو به یک سو و آن از دست رفتن جنبش ماهیچه‌های یک سوی رخساره می‌باشد عصب زوج هفتم (صورتی) آن‌ها را عصب‌دهی می‌کند. کژدهانی، فلج نیمه صورت، خشک شدن رو به یک سو است. (بحر الجواهر، ۳۲۳؛ منصورى)

^۳ مفتاح الطب، ۱۲۳.

کندی دندان

کندی^۱ (ضرس) کرختی است که از خوردن خوراکی‌های ترش؛ و یا سرد و بندآورنده در دندان‌های آدمی رخ می‌دهد.^۲

قلاع

آفت و برفک دهان (قلاع)^۳: سوزه‌هایی هستند که در دهان پدید می‌آیند.

^۱ ضرس: *ZERS* اسم دندان آسی است و این از میان اسنان مذکر است. هم‌چنین انیاب و جمع آن ضروس و اضراس آمده است. (مخزن؛ فرهنگ و مصطلحات، ج ۵، ۱۶۶).

^۲ مفتاح الطب، ۱۲۵.

^۳ قلاع: *Trrush aphtha* برفک و آفت دهانی، جوش دهانی (شلیمر).

قُلاعُ الأَطْفال: *Infantile thrush; infantile aphtha*. قلاع الخبيث: *Malignant aphtha*، قُلاع فُحْمِي أسود: *Aphtha which is black like coal* (قاموس)

قُلاع: (*Aphthous*) آفت (هوشمند): بیماری است که بر اثر آن دانه‌های ریز در حلق و زبان آشکار می‌شود. (مفاتیح، ۱۵۶)
سوزه‌هایی در بافت پوششی دهان و زبان است که گاهی برخی از آن‌ها گندیده شده و دمل چرکین می‌شود که نام ویژه آن خوره (آکله) و زخم‌های بدخیم می‌شود. (بحر الجواهر، ۳۰۲)

برفک و آفت دهانی، زخم‌های کوچک پدیدآمده بر روی لایه‌ی مخاطی پوشاننده لب‌ها از درون و همه دهان و زیر و روی زبان است. نخست تاول کوچک برجسته بر لایه مخاطی است سپس دارای کیسه کوچک آبدانکی شده و طولی نمی‌کشد سرباز می‌کند و زیر آن زخمی به اندازه عدس سرخ رنگ و کف آن آبی می‌شود و آن را شکافی چسبیده پنهان می‌سازد و پیرامون آن را خطی سپید و گرد فرا می‌گیرد. دو یا چند روز می‌ماند و بهبود می‌یابد. (منصوری، برگردان ذاکر، ۷۸۹)

قلاع: *Erosiony* یعنی جراحت و ریش دهان (برکندگی در دهان را گویند) (رنجبر ۸۹)

قلاع درد دهان بود و سه‌گونه بود: یکی از خون صفرایی بود، نشان وی آن بود که سرخ و سوزان بود، بود که این درد دهان با سپیدی بود و این بدتر از آن پیشین بود، بود که درد دهان از خوره بود، دهان و دندان سیاه بود، گند خاسته بود، دندان را تبه کند و بیفکند (هدایة المتعلمین؛ فرهنگ و مصطلحات، ج ۶، ۲۵۵)

دیدگاه دندان پزشکی ابن‌هندو از مفتاح
الطب

ضفدع

ضفدع^۱ غده ایی است که در زیر زبان ساخته می‌شوند.

خناق

خناق^۲، گرفتگی گلو، گونه‌ای تنگی است که در فضای حنجره و حلق پدید می‌آید که انگیزه آن آماس ماهیچه‌های جاگرفته در آن فضا می‌باشد و یا از میان رفتن يك مهره از مهره‌های گردن به گونه‌ای که نفس کشیدن و قورت دادن خوراك به دشواری انجام می‌گیرد.

هرگاه آماس در ماهیچه‌های درونی حنجره روی دهد به آن فوناخی گویند.

هرگاه آماس در ماهیچه‌های بیرونی آن نمایان شود به آن فارافوناخی گویند و همچنین آن را به سوناتاخی نیز می‌شناسند این نام‌ها برگرفته از جایگاه‌هایی است که بیماری در آن رخ داده است.^۳

^۱ ضفدع تحت اللسان: *Ranula (below the tongue)* غده قورباغه‌ای، یکی از سه غده بزاقی دهان می‌باشد که بر دو سوی فرنوم زبانی قرار گرفته‌اند و چون به شکل قورباغه است، به این نام قورباغه خوانده می‌شود.

^۲ خناق [خُ نَاق] (مص) = تاسانیدن، گلو گرفتن، خبه کردن || خناک (فریده) دیفتری. خُناق: *Diphtheria; paharyngitis* بیماری است در حلق (فرهنگ بزرگ). نفوذ نکردن نَفَس و آب و غذا است به ریه و دل و مری به سبب ورم لوزتین و عضلات بیرونی حلقوم و حنجره و مری خواه زردابی باشد و خواه دموی و خفه شدن به آخر امر (قرابادین). (حاوی، ج ۲۱، ۴۷۵). مرضی است که باعث تنگی گلو می‌شود، این بیمار را مَحْنُوق می‌گویند (مفتاح، ۱۵۶).

خناق: *Diphtheria; pharyngitis / Croup / Asphyxia/chokes* خناق: خناک، زهرباد، بادزهره. آماس غشای مخاطی گلو، که در آن گلو دچار غشایی دروغین می‌شود، باسیل لوفلر پدید آورنده آن می‌باشد.

^۳ مفتاح الطب، ۱۲۶.

خنازیر^۱: آماس غده‌ای و سنگی شده که غده‌های بسیاری را در برمی‌گیرد و دارای کیسه و پوششی می‌باشد و بیشتر در گردن و زیر بغل و کشاله‌ران پدید می‌آید.

نام داروهای تکی و ترکیبی

دوا الخطاطیف

داروی خاکستر پرستو^۲ که از سوزاندن پرستوک‌ها به دست می‌آید در درمان گرفتگی گلو و دردهای حلق سودمند می‌باشد.

^۱ خنازیر: (*Scrofula: lymph nodes*) آماس گره‌های لنفاوی که در پی التهاب رگ‌های لنفی است. آماسی سخت در گردن زیر آرواره پایین (یا گره لنفی زیر بغل و یا در پستان و جز آن) پدید می‌آید. در بیشتر موارد از التهاب حاد لوزه‌ها و یکی آماس‌های ریشه دندانی و یا دمل‌های چرکین بخش‌های بالایی گره لنفی زیر بغلی و یا دمل‌های بخش‌های پایینی گره لنفی پستان است، ولی واژه خنازیر بر آماس گره لنفی گردن زیر فک پایین گفته می‌شود. (منصوری، برگردان ذاکر، ۷۸۱)

آماس گره‌های لنفی گردن، سل غدد لنفاوی *Scrofula* آماس غده‌ای شکل در گلو. تورم سلی غدد لنفاوی است و علتی است شبیه به سعله (مقصود تورم عادی غدد لنفاوی یا تومورهای زیر پوستی است) فرق میان این وسعله آن است که خنازیر به لحم (گوشت - بافت) پیوسته است و از این جهت از جای خود حرکت به جوانب. این ورم را خنازیر از آن جهت گویند که خنزیران (خوکان) را بیشتر افتد و این ورم همچون سعله بود ولی نسبت به آن میل به سختی دارد و بیشتر در گوشت نرم پدید آید. (رنجبر، ۱۸۲). خنازیر (جمع جنزیر): *Scrofula* ورمی است گوشت مانند که بیشتر در گردن وجود می‌آید. در پی سوء هضم و بیماری تخمه (احتمالاً منظور تورم لنف نود ناشی از سرطان معده در ناحیه گردن است) (رنجبر، ۱۰۰؛ مفتاح الطب، ۱۲۹)

^۲ دواء الخطاطیف: این دارو در درمان گلودرد و چندین گونه بیماری گرفتگی گلو و آماس سینه و شش که از نموری باشد. روش ساخت: انیسون و تخم کرفس و نانخواه و اذخر و بیخ سوسن آسمان گون و شب یمانی و تخم حرمل و ریشه خُرد شده سوسن و سلیخه و دارچین و مر صاف و زراوند دراز از هر یک یک وقیه، قرص اقروقومعما و گل سرخ خشک که جام آن را جدا کرده باشند از هر یک دو وقیه، قسط مر و خاکستر تازه پرستو از هر یک سه وقیه، زعفران یک وقیه، نشاسته و گندم و سنبل الطیب از هر یک، نیم وقیه، مازوی پاک شده تازه ده دانه برمی‌گیرند. داروها را می‌کوبند و الک می‌کنند و با عسل کف بر گرفته می‌سرشند. اندازه خوراکی آن به اندازه یک مازو به همراه عسل آب و یا آب جو و یا آبی که در آن عدس و گل سرخ و ریشه سوسن و طلا (می‌پخته) بیامیزند و با پر مرغ روزی سه تا چهار مرتبه به درون گلو می‌مالند و روزی سه چهار بار با یکی از آب‌های یاد شده، دهانشویه کنند و قرص اقروقومعما در این قرص‌ها وجود دارد. (تحفه، ۳۰۶، مفتاح الطب، ۱۵۶)

دیدگاه دندان پزشکی ابن‌هندو از مفتاح
الطب

غمره

آن چه برای مالیدن به ویژه روی رخساره به کار می‌رود و جمع آن غمر می‌باشد.^۱

سنون

دندان شویه، آن چه با آن دندان‌ها را مسواک می‌زنند و می‌شویند نام آن برگرفته از دندان می‌باشد.

لعوق

آن چه لیسیدنی باشد، لیسک، انگشت پیچ.^۲

وجور

آن چه در دهان ریخته می‌شود (آبکی).^۳

سفوف

^۱ غَمْرَ: *To immerse; immersion; submersion*

غَمْرَ: مفردش غُمْرَه است و آن چیزی است که زنان بر صورت خود می‌مالند. بیشتر نام داروها در زبان عرب بر وزن فَعُول به فتح فاء است مانند: (مفاتیح ۱۶۹)

غُمْرَه، ادویه مرکبه است که بشره را صاف و سپید کند بمالیدن. و آن را به فارسی روشو گویند. (اکبری، ج ۲، ۱۱۸۲؛ مفتاح الطب، ۱۵۷)

^۲ لعوق: *Lincture; linctus; a medicine taken by licking* (قاموس) هر خوردنی نمر که با انبستگی بالا و نزدیک به سفت باشد به مانند فالوده است که با انگشت (انگشت پیچ) و یا با قاشق اندک اندک لیس بزنند. انگشت پیچ فلوس ساخته شده از: خیساندن مغز آن (فلوس) در آب سپس ورز دادن آن و پالایش کردنش و پس از آن جوشاندنش با روغن بادام و شکر تبرزد است تا سفت شود. (بحر الجواهر، ۳۲۲) آن چه از دارو یا هر چیز میکیدنی باشد (مفاتیح، ۱۶۷ و ۱۶۹) هر خوردنی نمر که با بستگی بالا و نزدیک به سفت باشد به مانند فالوده است که با انگشت (انگشت پیچ) با قاشق اندک اندک لیس بزنند. لَعُوقَات: مکیدنی‌ها (مفاتیح، ۱۶۷)

^۳ وجور: *Gargles* آن چه در حلق چکانند و بیشتر در امراض مغزی بکار می‌رفته است. (رنجبر، ۲۶۰)

وَجُورَات: داروهای غرغره.

آن چه مانند تلخان و مانند آن پودر شود و آن دارویی گردگونه می باشد^۱.

دیدگاه دندان پزشکی ابن هندو از مفتاح
الطب

۱۶

^۱ سفوف: *Powder; oils; pulvis* داروهای کوفته شده و به شکل گرد (پودر) در آمده را گویند. (رنجبر، ۲۶۶)

داروهایی که به گونه پودر و گرد به کار می برند. دارویی که آسیاب کنند، سپس ببینند و ناسرشته که با کف دست؛ و یا فوت کردن در دهان به کار می برند. (آندراج؛ مفتاح الطب، ۱۵۸) نک: سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۴۰۴-۴۰۶.

ذاکر
دکتر محمدابراهیم

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

- إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب؛ يا معجم الأدباء، ياقوت حموي، ديويد سموئل مارغليوت ليدن، ۱۹۰۷م؛ قاهره ۱۹۰۹م؛ برگردان عبدالحميد آيتي، تهران، ۱۳۹۱خ / ۲۰۱۲م.
- أغراض الطبية و المباحث العلايية، زين الدين ابوالفضائل سيد اسماعيل فرزند حسين جرجاني (۴۳۴ - ۵۳۵ق / ۱۰۴۲ - ۱۱۴۰م)، پژوهش حسن تاجبخش، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴خ.
- تاريخ نگارش های عربي، فؤاد سزگين (۱۹۲۴ - ۲۰۱۸)، جلد ۱- ۱۵، ليدن، مؤسسه انتشاراتي اي. جي. بريل، ۱۹۶۷-۲۰۱۰، وزيری، آلمانی؛ تاريخ نگارش های عربي، فواد سزگين، ج ۳، ترجمه، تدوين، آماده سازی مؤسسه فهرستگان، به اهتمام خانه کتاب، چ تهران، ۱۳۸۰خ.
- تحفه حکيم مؤمن؛ يا تحفة المؤمنین، محمد مؤمن طبيب فرزند محمد زمان حسيني (د ۹۲۳ق)، پيشگفتار دکتر نجم آبادی، چ. تهران، ۱۳۳۸خ؛ (تحفه) + چاپ مرکز تحقيقات طب سنتی و مفردات پزشکی - پژوهش رحيمي و اردکاني و فرجامند، ۱۳۸۶خ (تحفه ن).
- تقاسيم العلل، التقسيم و التشجير، ابوبکر محمد فرزند زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق / ۸۶۵-۹۲۵م)، پژوهش دکتر صبحی محمود حمامی، معهد التراث العلمی العربي، حلب، سوریه، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م؛ گروه بندی و تشخيص افتراقی بیماری ها (تقاسيم العلل، التقسيم و التشجير)، ابوبکر محمد فرزند زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق / ۸۶۵-۹۲۵م)، پژوهش و برگردان محمد ابراهيم ذاکر، زیر نظر حسن اتوکش، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران، ۱۴۰۰خ.
- الحوی فی الطب جزء الثالث فی أمراض الأذن و الأنف و الأسنان، بیماری های گوش، بینی و دندان، پژوهش از روی دست نوشته های کهن کتابخانه پهلوانی و اسکوریال، وزارت فرهنگ هندوستان، چاپخانه مجلس دایره المعارف عثمانی، حیدرآباد دکن هند، ۱۳۷۵ق / ۱۹۵۵م؛ پژوهش و برگردان محمد ابراهيم ذاکر، مرکز تحقيقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهيد بهشتی، ۱۳۹۱خ.

دیدگاه دندان پزشکی ابن هندو از مفتاح
الطب

الحوای فی الطب، الجزء الحادی و العشرون، فی الأدوية المفردة، السین - الیاء، رازی، ابوبکر محمد فرزند زکریا (د: ۳۱۳ق / ۹۲۵م)، مجلس دایره‌المعارف، عثمانی، حیدرآباد، دکن، هند، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۸م، کتاب بیست و یکم، داروهای تکی (س - ی)، پژوهش و برگردان محمدابراهیم ذاکر، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۵خ. سیری در سه قرن، برگه ۷۶ - ۱۸۲.

حبيب السیر فی أخبار أفراد البشر (نگارش: ۹۳۰ق)، غیاث‌الدین خواندمیر فرزند همام‌الدین (۸۸۰ - ۹۴۱ق)، چ. سنگی، بمئی، ۱۲۶۳ق؛ دیگر: چاپ سنگی، تهران، ۱۲۷۲ق؛ دیگر: کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۳۳خ، چهار جلد؛ دیگر: مقدمه جلال‌الدین همایی و فهرست هر جلد از محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۵۳، چهار جلد.

دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، شناسه و مدخل ابوالغد قلانسی - موسی بن میمون ابن میمون، انتشارات مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲خ، ۷۴۴ برگه.

ذخیره خوارزمشاهی، زین‌الدین ابوالفضائل سید اسماعیل فرزند حسین جرجانی (۴۳۴ - ۵۳۵ق / ۱۰۴۲ - ۱۱۴۰م)، فکسیمیل به کوشش دانش‌پژوه، افشار، چ تهران، ۱۳۴۴خ. ← (ذخیره‌ف)، و چاپ پنج کتاب به کوشش دکتر محمد رضا محرری فرهنگستان علوم پزشکی ۱۳۸۰خ.

رساله هزلیه علامه ابومنصور عبدالملک (۳۵۰ - ۴۲۹ق) فرزند محمد فرزند اسماعیل نیشابوری ثعالبی

سحر البلاغة و سز البراعة، علامه ابومنصور عبدالملک (۳۵۰ - ۴۲۹ق) فرزند محمد فرزند اسماعیل نیشابوری ثعالبی

سیری در سه قرن دندان‌پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان‌پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹خ.

صیدنة، ابوریحان بیرونی، پژوهش حکیم محمد سعید، رانا اجسان الهی، کراتشی، موسسه ملی همدرد، هند، ۱۹۷۳م؛ الصیدنة فی الطب، ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ق)، محمد فرزند احمد، پژوهش عباس زریاب خوبی (۱۲۹۸ - ۱۳۷۳خ)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰خ؛ الصیدنة فی الطب، داروشناسی پزشکی، بیرونی، برگردان باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، تهران، ۱۳۸۳خ؛ صیدنه، برگردان کاسانی، پژوهش استاد ایرج افشار، مرکز تحقیقات اخلاق و

حقوق پزشکی وابسته به دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷خ؛ الصیدنة في الطب، داروشناسی پزشکی، برگردان باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: نشر آثار، ۱۳۸۳خ.

طب اکبری (نگارش: ۱۱۱۲ق)؛ یا طب الأكبر، حکیم محمد اکبر فرزند محمد ارزانی، به کوشش محمدمهدی اصفهانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی. طب اسلامی و مکمل، تهران، ۱۳۸۴خ؛ دیگر: مؤسسه احیاء طب طبیعی، ۱۳۸۷خ، دو جلد.

عیون الأبناء فی طبقات الأطباء، ابن ابی اصیبعه، موفق الدین ابوالعباس احمد فرزند قاسم سعدی خزرچی (۵۹۵ - ۶۶۸ق)، چاپ سنگی، امرؤ قیس فرزند طحان، قاهره، ۱۲۹۹ق؛ دیگر: دانشگاه فرانکفورت، ۱۹۹۵م/۱۴۱۶ق؛ دیگر: دارالثقافه، بیروت، لبنان، ۱۹۸۷ م / ۱۴۰۸ق؛ دیگر: به کوشش نزار رضا، بیروت، ۱۹۶۵م؛ دیگر: برگردان محمدابراهیم ذاکر، انجمن گیاه درمانی ایران، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۹۳خ.

غرر فی سیر الملوك و أخبارهم علامه ابومنصور عبدالملک (۳۵۰ - ۴۲۹ق) فرزند محمد فرزند اسماعیل نیشابوری ثعالبی فردوس الحکمة فی الطب (نگارش: ۲۳۶ق)، ابوالحسن علی فرزند سهل ربن طبری (د: ۲۶۰ق)، پژوهش محمد زبیر صدیقی، چ برلین، ۱۹۲۸م؛ دیگر: معهد تاریخ العلوم العربیة الاسلامیة، دانشگاه فرانکفورت ۱۹۹۶م / ۱۴۱۶ق؛ برگردان علینقی منزوی و محمدابراهیم ذاکر، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۹۱خ.

فرهنگ آندراج، محمد پادشاه «شاد» به کوشش محمد دبیرسیاقی، چ تهران، ۱۳۳۵ خ. ← آندراج.

فرهنگ پزشکی - دارویی شلیمر، یوهان شلیمر فلمنگی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی، چ تهران، ۱۳۸۳خ. ← شلیمر

فرهنگ پزشکی انگلیسی - فارسی، ویلیام آکساندر نیومن دورلاند، برگردان دکتر محمد هوشمند ویژه، انتشارات کلمه، تهران، ۱۳۶۶خ. ← هوشمند

فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران، جلد اول، محمدتقی میر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۷۶خ.

- فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران، جلد پنجم، محمدتقی میر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۸۴ خ.
- فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران، جلد چهارم، محمدتقی میر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۸۱ خ.
- فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران، جلد دوم، محمدتقی میر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۷۸ خ.
- فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران، جلد سوم، محمدتقی میر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۸۰ خ.
- فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران، جلد ششم، محمدتقی میر، تصحیح محمدمهدی اصفهانی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۸۶ خ.
- فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران، جلد هشتم، محمدتقی میر، تصحیح محمدمهدی اصفهانی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۸۸ خ.
- فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران، جلد هفتم، محمدتقی میر، تصحیح محمدمهدی اصفهانی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۸۶ خ.
- فرهنگ واژه‌های فارسی سره برای واژه‌های عربی در فارسی معاصر، فریده رازی، نشر مرکز، ۱۳۶۶ خ. ← فریده فقه اللغة و سرّ العربية، علامه ابومنصور عبدالملک (۳۵۰ - ۴۲۹ ق) فرزند محمد فرزند اسماعیل نیشابوری ثعالبی، پیشکش به وزیر ابوالفضل عبدالله فرزند احمد میکالی، تصحیح جمال طلبه، لنتشارات دارالکتب العربية، بیروت، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
- قاموس القانون في الطب (معجم المصطلحات الطبية و الأدوية المفردة المستعملة في القانون في الطب ابن سینا)، فرهنگ لغات قانون في الطب ابن سینا، عربی - انگلیسی، حکیم عبدالحمید، حکیم کبیرالدین، حکیم عبدالوهاب ظهوری، محمد عبدالعزیز، حکیم فضل الرحمان، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، بازنگری ۱۹۹۸ م.

دیدگاه دندان پزشکی ابن هندو از مفتح
الطب

دکتر محمد ابراهیم

قانون فی الطب، حسین فرزند عبدالله ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ق)، داراحیاء التراث العربی، بیروت - لبنان؛ برگردان عبدالرحمان شرفکندی (هه ژار)، انتشارات سروش، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۵خ؛ قانون فی الطب، ابن سینا- دارصادر، بیروت، د. ت؛ قانون فی الطب لابن سینا، پژوهش ابراهیم شمس الدین، موسسه اعلمی، بیروت، لبنان، ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۵م. قرابادین الکبیر، محمدحسین عقیلی علوی خراسانی، چاپ محمودی، تهران، ۱۳۷۵ق. ← قرابادین. حاوی، ج ۲۱، ۴۷۵ کامل الصناعة الطیبة، الکناش الملکی، علی فرزند عباس اهوازی مجوسی (ز: (۳۷۲ق / ۹۸۳م)، چ. بولاق، قاهره، ۱۲۹۴ق؛ دیگر: انجمن تاریخ دانش های عربی و اسلامی، دانشگاه فرانکفورت - آلمان، ۱۹۹۶م/۱۴۱۷ق؛ ؛ سیری در سه قرن، برگه ۳۳۵ - ۴۰۱.

مخزن الأدوية، محمدحسین خان عقیلی علوی فرزند محمدهادی شیرازی، سده ۱۲هـ، تهران، ۱۳۷۱خ. ← (مخزن)؛ مفردات مخزن الادویة، عقیلی، پژوهش علی موحد ابطحی، قم، حبل المتین، ۱۴۲۲ق. ← (مخزن).
معالجات البقراطية، ابوالحسن طبری، سده چهارم، کتاب یکم و دوم، پژوهشگر فواد سزگین، ۱۹۹۰م / ۱۴۱۰ق، چاپ فرانکفورت - آلمان، فاکسمیله از دست نوشته کتابخانه ملک - تهران، شماره ۴۴۷۴.

معجم البلدان، یاقوت حموی شهاب الدین ابو عبدالله فرزند عبدالله رومی (۵۷۴ - ۶۲۶ق / ۱۱۷۹ - ۱۲۲۹م)، چاپ لایپزیک (۱۸۷۳ - ۱۸۶۶م) افست تهران، ۱۹۶۵م، برگردان به پارسی دکتر علی نقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی جلد اول برگردان به پارسی را تا پایان حرف الف در سال ۱۳۸۰خ و جلد دوم آن را تا پایان حرف "ز" در سال ۱۳۸۳خ به چاپ رسانید و امید به چاپ دیگر جلد های ترجمه شده آن. من [ذاکر] نزدیک به سه سال است که پیگیر چاپ مانده ترجمه دکتر منزوی بودم و در رفت و آمدها به پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی ترجمه کامل و چاپ نمونه آن را در حضور ریاست محترم آن مرکز آقای دکتر مسیب امیری دو بار دیدم. یک بار دی ماه ۱۴۰۰ به همراه دکتر حجت الحق حسینی و مهندس ارفعی در حضور ریاست برای یافتن راهی جهت چاپ آن بود که ریاست محترم تقاضای همراهی بنیاد و مرکزی جهت همیاری برای چاپ داشتند و بار دیگر به همراه دکتر اکبر ایرانی قمی ریاست مرکز پژوهشی میراث مکتوب وابسته به وزارت ارشاد، بنیادی دولتی جهت اعلام همیاری برای چاپ کامل و دوباره آن با کمک میراث مکتوب بود که افسوس باز هم در محاق فراموشی قرار گرفت. شایان توجه است که

دیدگاه دندان پزشکی ابن هندو از مفتح
الطب

پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری در سال ۱۳۹۶ خ شماره فیپا جدیدی برای چاپ یک دوره کامل آن شامل شش جلد از مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران گرفته بود که من آن را در شناسنامه چاپ نمونه دیدم و در ردیابی آن از کتابخانه برابرخوانی نیز کردم. امیدوارم شرایط مالی کشور بهبود یابد تا این اثر تاریخی از دانش جغرافیا که دربرگیرنده بخشی بزرگ از تاریخ علم ایران و جهان اسلام است، به زودی پخش گردد و در دسترس اندیشمندان این مرز و بوم و کشورهای پارسی‌زبان برسد.

مفاتیح العلوم، ابو عبدالله محمد فرزند احمد فرزند یوسف کاتب خوارزمی (ز: ۳۷۲ق)، قاهره، ۱۳۴۲ق؛ برگردان حسین خدیو جم، مرکز انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۲خ.

مفتاح الطب و منهج الطلاب، ابن هندو، ابوالفرج علی فرزند حسین فرزند هندو (د: ۴۲۰ق / ۱۰۲۹م)، به کوشش مهدی محقق و محمدتقی دانش پژوه، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸خ.

من غاب منه المطرب، علامه ابومنصور عبدالملک (۳۵۰ - ۴۲۹ق) فرزند محمد فرزند اسماعیل نیشابوری ثعالبی، تصحیح و تنظیم، عبدالواحد شعلان، نبوی، مکتبه الخانجی، قاهره، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۴م.

المنصوری فی الطب، محمدزکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق / ۸۶۵ - ۹۲۵م)، پژوهشگر دکتر حازم بکری صدیقی، معهد المخطوطات العربیه، کویت، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م، برگردان محمدابراهیم ذاکر، موزه تاریخ پزشکی ایران وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران، ۱۳۸۷خ.

مؤنس الوحید، علامه ابومنصور عبدالملک (۳۵۰ - ۴۲۹ق) فرزند محمد فرزند اسماعیل نیشابوری ثعالبی هدایة المتعلمین فی الطب، ابوبکر ربیع فرزند احمد اخوینی، بخاری، جلال متینی، چاپ دوم، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۱خ.

یادگار، زین الدین ابوالفضائل سید اسماعیل فرزند حسین جرجانی (۴۳۴ - ۵۳۵ق / ۱۰۴۲ - ۱۱۴۰م)، پژوهش مهدی محقق، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲خ.

دیدگاه دندان پزشکی ابن هندو از مفتاح
الطب

یتیمه الدهر في محاسن أهل العصر؛ یا یتیمه الدهر في شعراء أهل العصر، ثعالبی، ابومنصور عبدالملک فرزند محمد فرزند اسماعیل نیشابوری (۳۵۰ - ۴۲۹ق)، به کوشش علی محمد عبداللطیف، مطبعة المصاري، قاهره، مصر، ۱۳۵۲ق / ۱۹۳۴م، چهار جلد بزرگ.

دیدگاه دندان پزشکی ابن هندو از مفتح
الطب

۲۳

دکتر محمد ابراهیم
ذکر